

Joao Sette Whintaker Ferreira

استاد برنامه ريزي شهري دانشكده معماري و شهرسازي دانشگاه ايالتی سائوپائولو

موسسه seade ژانويه 2001 سائوپائولو مجله پرسپكتيو شماره 4

خلاصه: مقاله حاضر سعي دارد رابطه ميان الكوي جديد اقتصاد جهاني شده و شهرنشيني سريع در كلانشهرهاي جهان توسعه نيافته را مورد مطالعه قرار داده ، با استناد به داده هاي موجود، فقر وسيع در كلان شهرهاي مذكور را ريشه يابي نمايد. بالاخره با تحليل اهداف برنامه ريزي هاي جديد شهري به ميزان كار امدي آنها در مقابل با فقرمورد بحث ، پردازد .

سوداگري تایلندي

این مقاله را با شرح سرگذشت يك كلان شهر کشور توسعه نيافته آغاز ميکنيم ؛ كلان شهر يکه مرکز اصلي کشورش بوده ، بيش از 55 مورد نظر در اين دو دهه گذشته هدف يك حرکت وسيع سرمايه گزاري بين المللي قرار داشته است. روند سرمايه گزاري مذكور از آغاز دهه 90 به يمن ازاد سازي وسيع اقتصادي در اين کشور آغاز شد؛ در نتيجه در شهر محله هاي جديدي با بهترين تاسيسات شهري ، امکانات جابجائي سريع همراه با وسيع ترين سهولت ها راهاي متعدد ، افزون بر يک هزار برج رفيع که اغلب با بيش از 50 طبقه ساخته شده . بالاخره ساختمانهاي فوق مدرن ، برجهاي هوشمند ، که بهترين زير ساختها و امکانات را براي استقرار دفاتر و شعب شرکتهاي بين المللي ، شرکتهاي عرضه کننده خدمات معروف به « ثالتيه پيشرفته » واحدهاي مسكوني بسيار لوکس و مرفه براي سکونت نمايندگان ، مديران ، صاحبان شرکتهاي مذكور، ويا بيزنسمنهایی که در سطح جهاني فعاليت ميکنند هم به بناهاي فوق ، اضافه شدند . به عبارت ديگر شهر مذكور به نمونه کامل وم شهرسازي پست مدرن ويا آنچه امروزه برخي از < اهل فن > انرا برنامه ريزي ويا طرح ريزي استراتژيك مينامند بدل شد . بدین ترتيب وبا این وصف شهر مذكور خود را وارد « شبکه شهر جهاني » (Globalcity) . شبکه شهرهاي جهاني يا اين مجمع الجزاير رقابت شهري بين المللي که در ان « شهر بصورت ماشين توليد سود » ، يا کالاي بلقوه اي که ، هم جاذب سرمايه ست وهم از طريق ائتلاف بين مالکين و سرمايه گزاران ، نخبگان (اليت)

» « فضاي شهري بهره مند ميشوند ، در مي آيد .

(2000 Vanier , Arantes)

اکنون با حد ث وگماني قريب به يقين ميتوانيم بگوئيم سرگذشت مذکور مربوط به شهر ولي با وجود شباهت هاي بسيار شهر مورد نظر سائو پائو لو نيست . بلکه اين کلان شهر با قريب به 8/5 مليون جمعيت (در منطقه کلان شهري اش) كوك پايتخت تايلند ميباشد . اين سر گذشت نه يك داستان خيالي است بلکه شرح ماجراي د ميدن در باد كنك سوداگراني است كه نهايتاً " منجر به بحران مالي سال 1998 ، ويا آنچه به بحران اسيائي معروف شد ، گرديد .

بينيم چگونه بوده است ان حكايت ؟ و اين ماجرا به چه صورتي بوقوع پيوست ؟ چرا اين وضعيت و اتفاقات ياد اور يك الگوي شهر سازي جهاني در جرياني استكه ، در حاشيه جهان سرمايه داري و يا در جهان توسعه نيافته ، كليشه وار همواره حتي در سائوپا ئولو خودمان ، در حال تکرار ! .

1985 تايلند به واسطه مجموعه اي از تسهيلات ا رزي وامكان بهره گيري از نيروئ كار ، همراه با تثبيت نسبي سياسي ، پذيراي سرمايه گزاري وسيع، عمد تا " . سرمايه گزاريهائي كه كه براي تايلند تا اواخر دهه 90 دي محسوسي را فرا هم نمو . 1994.

Eric Charms از آغاز دهه 90 با شروع جهت گيريهاي جديد در اقتصاد جهاني وعلاوه تحت تاثير فشار زياد بين المللي ، تايلند (همانند برزيل وبرخي از كشورهاي توسعه نيافته ديگر) نسخه اقتصادي نو ليبرالي جهت تشويق سرمايه گزاري ، از طرق تغيير بعضي از قوانين بازار جهت تشويق ورود سرمايه ، بالا بردن نرخ بهره . در نتيجه حجم عظيمي از سرمايه هاي سرگردان بين المللي جذب گرديد .

از نقطه نظر شهري عواقب پويا سازي اقتصادي به شيوه فوق در شهر بانگ كوك بسيار وسيع بود . به گفته پژوهشگر فرانسوي اريك شارمز 1998 ساخت ساليانه ي دفاتر و فضاهاي تجاري در 1994 به بيش از يك مليون مترمربع اپارتمانها واحد هاي مسكوني اغلب بسيار لوکس به بيش از 150000 ، رسيد . ايجاد حجم وسيعي از واحد هاي لوکس و گرانقيمت مسكوني فضاهاي ومحيطهاي مسكوني بسيار مدرن نظير محله سائوپائولوي Pananby

Pinheiros (محله اعيان نشين در سائو پائولو ، م.) وهمچنين ساختمان مرتفع ترين برج با سازه بتوني در جهان كه در سال 1995 Bayok Tower 90 طبقه وبا بيش از 320 ارتفاع ساخته شده، به بناهاي فوق الذ كر ، افزوده گرديد.

بدین صورت ارزش مستقلات افزایش لجام گسیخته ای یافت. (بهایی کل واحد های مسکونی فروخته شده در کلان شهر بانگкок در سال 1994 به بیش از 5 میلیارد دلار رسید) بهایی زمین هم چندین برابر . تاحدی که بهایی زمین مسکونی در محلات مرغوبتر به بیش از 5000 دلار به متر مربع رسید.

بدین ترتیب با چنین قیمت هایی برای زمین و ساختمان فقط واحدهای گرانقیمت ، که برای متقاضیان توانمند ساخته میشدند، احداث شان به صرفه و سود آور بود . بنا بر این سرمایه گزاری برای احداث اینگونه ساختمانها هم منحصر به سرمایه گزاری های کلان ویا سرمایه های سوداگر جهانی Bouygues محدودی نظیر ان ، محدود میگردد . (انچه در برزیل هنوز بوقوع نپیوسته !) . علاوه براین سرمایه گزاری در این گونه مستقلات علیرقم این که با ریسک زیادی همراه میباشد برای سوداگران بسیار سود آور است .

اماعلیرقم همه ی این تب و تاب های اقتصادی و سرمایه گزاری های وسیع تایلند ، هرگز از جرگه کشورهای توسعه نیافته خارج نشد . هرگز قادر نشد فقر را، انهم در اکثریت قریب باتفاق جامعه ، از میان بردارد . به نقل از شارمز 1998 1995 10 درصد از خانواده های شهر بانگкок شرایط انرا داشتند واحدهای مسکونی گران تر از 48000 (یا بیش از 30 درصد عرضه واحد های مسکونی) را خریداری یا اجاره نمایند.

با خوشبین ترین براوردها در همین سال بیش از 275000 خانوار در کلان شهر بانگкок الونك نشین بوده اند!

بنا بر این ، دست اندرکاران ذینفع سریعاً " دریافتند عرضه واحد های مسکونی و تجاری ساخته شده چندین برابر تقاضای ایتباع انهاست . مسئله ایکه موجب خالی ماندن بیش از 30 درصد واحدهای عرضه شده گردید .

کود فعالیتها از یکطرف ، ادامه واردات و مصرف رو به افزایش از طرف دیگر ، موجب کسری بودجه و بدهی زیادی، شد. در نتیجه دولت مجبور به اتخاذ سیاستهای انقباضی و محدود کننده گردید. توفیق دولت در سر و سامان دادن به اوضاع اقتصادی ، شکوه روز افزون از سیاست های انقباضی . قول از میان بردن رکود تقویت و راه

اندازی فعالیتها ، بخصوص جهت تقویت فعالیتهای ساختمان سازی و تامین اعتبارات وامكانات مالی ، بمیدان آمد . باردیگر روز از نو و روزی از نو . ه با اتخاذ سیاست های

لیبرالیزه تر اقتصادی باعث عمیق تر شدن بحران و تشدید آن گردید . چون دولت جدید چاره را در سرمایه گزاری بیشتر در زیرساختهای فیزیکی شهر ، همچون شبکه باز هم وسیع تر بزرگراهها در همان مناطق شهری که دچار رکود شده بودند ، میدید . همراه با این اقدامات و بعنوان آخرین اقدام در مقابله با بحران با حمایت های دولت 36 شرکت مهم فعال در این ساخت و سازها سرمایه وامكانات مالی خود

را به بورس عرضه نمودند . 1996 بیش از 61 درصد سرمایه اسمی بورس بانگکوک به سهام شرکت ها، بنیادهای مالی ساختمانی و مستقلاتی، تع .

بدین ترتیب با دیون و بدهی هایی که این شرکتها با خود به بورس آورده بودند سرعت بورس را به سقوط سهام سوق دادند. هنگامی که در سال 1997 Somprasong Land یکی از بزرگترین شرکت های ساختمانی عدم توانایی در انجام تعهدات خود را اعلام نمود سرعت وسیع فرار سرمایه بورس بانگکوک را فراگرفت . بحران مالی فوق بحدی شد ید بود که حکومت رامبور کرد ، جهت رفع یا تعدیل مشکل از بانک جهانی طلب استمداد نماید . به آسیائی آغاز شده بود ؛ بحرانی که اثرش سرعت بصورت اثر دومینو به بقیه نقاط جهان تسری یافت حتی به بازار ما (غرض امریکای جنوبی است .) هم سرایت نمود.

شرح عواقب آنچه تحت عنوان : سوداگری تایلندی ، بطور خلاصه، براساس مقاله روشنگرانه اریک شارمز 1998 مطرح گردید ؛ برای نشان دادن وضعیتی است که امروزه بطور همزمان کثر نقاط نیمکره جنوبی در حال وقوع است. وضعیتی که نتیجه طبیعی رابطه علت و معلولی بین سیاست های اقتصادی ایستکه ، از نظر ساختاری با سیاست های نولیبرال همخوانی داشته اقتصادهای وابسته باجرا درمی آیند سیاست هایی که مطابق با الگوهای تجویز شده توسط اژانسهای چند جانبه اتخاذ شده در نتیجه موجب بقا و تداوم- البته تا هنگامیکه مخاطره انگیز نشده اند- وضعیت اسفناک اجتماعی اقتصادی ، اکثریت مردم این کشورها ، گردیده است. در محدوده کلان شهرهای بزرگ این وضعیت بصورت رشد جمعیت در حاشیه قرار گرفته ایست که، در شرایط فقر قریب به مطلق ، به زندگی ادامه میدهند. به بیانی دیگر آنچه در بانگکوک بوقوع پیوست ؛ شبیه و همانند سایر کشورهای توسعه نیافته است : یعنی تضاد مزمن میان جهانی شدن «مدرنیزه کننده» بکار گرفته شده (الیت) حاکمی است که ادامه اینراه ، از نظر ایدئولوژیکی ، بمثابة گذرنامه ایست برای ورودشان به جمع جهان اولی ها و بنیادهای اجتماعی عقب مانده و فلاکت بار بر جای مانده از گذشته استعماری بصورتیکه ، مدرنیزاسیون مورد بحث، تا کنون در عمل به حفظ وضعیت فوق و تداوم آن انجامیده است.

توسعه نا برابر و ترتیب دا .

این تضاد ها نو نیستند تا کنون بارها مفصلاً با شواهد بسیار توسط صاحب نظرانی که به بررسی و تحلیل وضعیت برزیل ، پرداخته اند ، مطرح شده است . صاحب نظرانی ه : Caio Prado Jr , Fernand , lorestanF Furtado Celso هر چند تحلیل های آنها غالباً “ود به کشورهای امریکای لاتین است ؛ ولی بهر حال مبین ، منطقی مشترك برای جنبه های مختلف ، وضعیت

کشور هائي هستند که تحت لواي سرمايه داري وابسته زند گي ميکنند. اين صاحب نظران همواره ضد يت بين امپرياليسم (منافع بسط جهاني- اقتصاد سرمايه داري) و شکل گيري دولتهاي ملي که قادر به کنترل سرنوشت خود باشند را بر جسته نموده اند. Sampaio Jr، معتقد است که: در واقع ضدیت مذکور عدم امکان سازگاري توسعه سرمايه داري جهاني را با مردم سالاري و اقتدار ملي نمايان ميگرداند.

در برزيل اتحاد استراتژيك بورژوازي محلي با سرمايه بين المللي وبا قدرت هاي برتر (هژمونيك) اين فرصت را بوجود آورد که، صنايع جايزين واردات حاصل نهائي اش افزايش ميزان ازادي عمل نسبي کشور، درون نظام جهاني سرمايه داري، باشد. Sampaio Jr 1999 در کشورهاي ديگر پيراموني فقدان يك صنعت ملي، حتي با اهميتي يد ايت اين کشورها دستياران ساده ي داخلي تجارت بين المللي، و يا بقول سمير امين 1991 ماموران خريد، خريدار، (کمپرادورها)، در ايند.

برخورد بسيار مخرب روند جهاني شدن با پارک صنعتي برزيل وبمخاطره انداختن ادامه فعاليت ان پير نقش بورژوازي مارا، تا حد بورژوازي کمپرادور، طلب مينمايد. اما آنچه سعي در برجسته روندي است که در ان بورژوازي « ما با تسلط بر ايت محافظ کار» «و تضمين بقاي ان، درنتيجه حفظ وتداوم ساختارهاي اجتماعي متروک و عقب مانده مبناسبات نابابر بر جاي مانده از دوران استعمار، ايجاد فرصت و امکان ورود سرمايه هاي بين المللي رافراهم آورده، درنتيجه از اين طريق وبا پيوند با ان، برتري (هژموني) تضمين مي نمايد. اين ساختاري است که اکثر صاحب نظران برزيلي بخصوص انرا توسعه نابرابر- ودر رابطه ودرمقايسه با توسعه سرمايه داري (هژمونيك) درکشورهاي صنعتي، ترتيب داده شده، يا وضعيتي که در ان ساختارهاي جديد اقتصادي اجتماعي وارداتي برساختارهاي عقب مانده ونابرابر محلي استوار گشته، مينامند. Sampaio Jr 1999 فوق الذکر اين است که: تضاد بين توسعه نا برابر سرمايه داري درمقياس جهاني وروند فورماسيون برزيل هنوز به انتهاي راه خود نرسيده است. (سامپايو ژونيور 1999) مدعي است که « اين «بصورت انتاگونيسم اشکار يا وضعيتي درآمده است که امکان کنترل جامعه بر سرنوشت خود را، با وجود رابطه اقتصاد - جهاني سرمايه داري، غير ممکن ميگرداند.

تحميل شده بر چنين بن بستي و همچنين عواقبي که هر کدام از دو شق بگويد: برزيل هم اکنون بين « و بربريت ». بنابراين در سناريو انتاگونيسي که بحث جهاني شدن را شامل ميگردد بورژوازي « »، درشرائط تاريخي جديد سرمايه داري مالي جهاني، بمثابة کار امد ترين ابزار جهت تثبيت وبسط روند پيشرفت تکنیکی سرمايه داري هژمونيك

عمل مینماید. ه در اذای ایفای چنین نقشی استکه هژمونی اش را بر بازار داخلی تضمین مینماید.

شهرنشینی فقر.

کلان شهرهای بزرگ بزرگ جهان توسعه نیافته امروزه شاهد و مبین انتا گونیسم و نابرابری پیش گفته اند. نخست برای اینکه پدیده شهرنشینی سریع ، که در این چهل سال اخیر در جریان بوده همانطور که بعداً“ ملاحظه خواهد شد، عمدتاً“ به کشورهای پیرامون نظام سرمایه داری مربوط میشده . دوم، آنچه ملاحظه میشود این استکه دقیقاً“ شهرها هستند که بصورت وسیله مطلوب بسط

– جهان سرمایه داری ، که امروزه به پدیده جهانی شدن معروف شده، در میایند. شرکتهای بزرگ فراملیتی، نهادهای مالی و سرمایه گزاری ، شبکه های اطلاعاتی ، تله پرت ها، سیستم های تلفن سلولار، ارتباطات کابلی ، کالاهای مصرفی لوکس، فعالیت های خدماتی مدرن، همگی عناصر تجد (مدرنیته) هستند که ، با جهانی شدن در آمیخته اند. همه ی این عناصر کلاً“ عناصر شهری اند. تا حدی که بر اساس وجود همین عناصر مفهومی همچون «شهر

جهانی» (Globalcity)، توسط نویسندگان چون: Boja Saskia Sassen 1996 Castells 1997 ، مطرح میگردد.

پدیده شهرنشینی ایکه در اکثر کشورهای توسعه نیافته مشاهده میشود؛ حاصل تاخیر در روند صنعتی شدن پیرامون سرمایه داری بوده است. جذابیت قطبهای صنعتی برای توده مردمی که از روستاها دفع میشدند ؛ (بویژه د کشورهایی که پذیرای شرکتهای چند ملیتی بوده اند ؛ کشورهایی که در مرحله تبدیل اقتصادهای کشاورزی- صادراتی به اقتصاد های « نیمه صنعتی» قرار داشتند؛ همچون: برزیل و هند.) موجب گسترش وسیع قطب های شهری جهان سوم در دهه 60 میلادی گردید. مردمیکه از مسکن و زیرساختها و تاسیسات شهری ایکه حداقل شرایط زندگی را برای آنها فراهم آورد بی بهره . ضمن اینکه در اکثر حالات مقامات محلی هم اقدامات چندانی در رفع این کمبودها انجام ندادند . علاوه بران در اکثرت نیروی کار(که باعث کاهش توان و امکان مطرح نمودن خواسته هایشان میشد.

(و همچنین هدف اصلی الیت حاکم که همواره در صد د پائین نگهداشتن سطح دستمزد آنها بودند؛ وضعیتی را بوجود آورده که انرا - « شهرنشینی ی نا برابر» مینامیم- کلان شهرهای غول اسای صنعتی، فردیست ، (اشاره به روشنائیست که فورد و همچنین تایلور برای بهره گیری بیشتر از نیروی کار در کارخانه های خود بکار می گرفتند.)، توسعه نیافته، با تمرکز تولیدات صنعتی وتوده نیروی

کاري که در تقسيم اجتماعي فضاي شهري متمايز ميگردند؛ آنچه (Lipietz 1999) »
«سالانه» «فرد يسم پيراموني» ، مينامد.

« انفصال نا بخشودني روند صنعتي شدن از نيازهاي ضروري جامعه وضعيت مازاد ساختاري
نيروي کا ، به سبب بزرگي مطلق حجم اين مازاد وبالا بودن ميزان تمرکز
ان در مراکز شهري ، امکان يگانگي (انتگراسيون) انرا با توسعه سرمايه داري ،
«غيرممکن نموده ، بدین ترتيب بحران اجتماعي را بيش از پيش شدت م
».»(سامپايو جونيور 1999 / 425) مهم اين استکه زياد بودن حجم شهرنشيني برجسته شود.

شهر نشيني در امريکاي لاتين هم اکنون به بيش از 75 درصد کل جمعيت رسيده است . cepal
مرکز برنامه ريزي امريکاي لاتين سال 2000 اين سطح شهرنشيني با شهرنشيني در کشوره
اسيائي وافريقائي چندان قابل مقايسه نيست ؛ در اين کشورها هنوز بخش مهمي از جمعيت روستائي اند .
با همه ي اين تفاوت ها نميتوان منکر اين واقعيت شد که شهر نشيني سريع هم اکنون ويژگي همه ي
کشورهاي جهان سوم است. هرچند در صد شهرنشيني انها کمتر از امريکاي لاتين است ولي در اسيا و
افريقا هم شاهد ظهور ، مداوم کلان شهرهاي با بيش از پنج مليون نفر وبا همان ويژگيهاي فورد يسم
پيراموني، مي باشيم . همانطور که ميدانيم درميان ده محدوده کلان شهري پرجمعيت ترجهان فقط سه
(توکیو ، نيويورک ، اوزاکا) درکشورهاي شمالي ، وبقيه يعني هفت کلان شهر پر جمعيت
تر جهان در کشورهاي جنوب، قرار دارند . (در اين ميان سه کلان شهر پر جمعيت تر متعلق به
امريکاي لاتين ميباشد.) تجمع شهري وسيع درپيرامون جهان سرمايه داري ، دقيقاً

بود نش ، بصورت نا اميد کننده اي حاكي از تداوم وعدم تغيير وضعيت رقت بار کنوني است.
درمقاله اي ديگر ودر همين مجله ، Ermina Maricato 2000 : شهر نشيني جاري
نتايج مثبتي نیز داشته موجب بهبود در بسياري از شاخصهاي اجتماعي، بويژه رشد جمعيت، شده است.
در امريکاي لاتين خاصه برزيل امروزه شاهد افزايش متوسط عمر، کاهش مرگ ومير کودکان که در
نتيجه گسترش زيرساختهاي اوليه (اب لوله کشي، امکانات بهداشتيوغيره) بوده ، ميباشيم . داده هاي
سپال نشان ميدهد : درامريکاي لاتين ، بخاطر بالا بودن در صد شهر نشيني ، فقر اقتصادي مردم
(ناشي از پائين ماندن سطح دستمزدها) بيشتر از کمبود زير ساختهاي اساسي است.

1980 کمبودهاي فيزيکي وزير ساختي، (ضرورتهاي اساسي که هنوز بر آورده نشده اند)

درصد کمبود بيشتر از درصد فقر اقتصادي مردم بود ، (به ترتيب 54 35) 1991

رابطه مذکور به عکس شده وهم اکنون به ترتيب 32 36 در صد ، ميباشد Arriagada 2001

ماريکاتو در مقابل همچنان نشان ميدهد که شهر نشيني ي نا برابر موجب بد تر شدن شاخص هاي

(درآمد ، بيکاري، خشونت) واز نظر فضاي شهري وشهر سازي(گسترش شهري و

(الونك نشيني) . آنچه در عمل موید این واقعیت است که شهر نشینی در جریان در واقع
 تمرکز دهنده فقر بوده است. تمرکز فقر و یا بگفته آریاگادا 2000 : بیش از 60 درصد فقرا و تهید
 ستان امریکایی لاتین در شهرها زندگی میکنند ؛ موقعیتی که قاره را به منطقه در حال توسعه و یا در
 روند جهانی شهر نشینی فقر تبدیل نموده است. آریاگادا 2000 ، در انتهای سده 8 / 125 میلیون
 از ساکنین مناطق شهری در این قاره فقیر بوده اند؛ (سازمان ملل فردی را فقیر بحساب میآورد که
 درآمد سالانه اش کمتر 400 . به استناد امارات سپال در سال 2000 در امریکایی لاتین بیش از
 220 میلیون نفر در فقر زندگی میکرده اند . آنچه در واقع حدود 45 درصد جمعیت امریکایی لاتین
 میباشد . در جهان رقم فوق و یا تعداد فقیران حدود 1/3 میلیارد و یابیش از یک پنجم جمعیت آن است .
 جمعیتی که بخش اعظم آن در کلان شهرهای کشورهای پیرامون سرمایه داری زندگی میکنند.
 1997 شرایط زندگی جمعیت فقیران کلان شهرها بصورتی بوده که بخش
 اعظم آنها در مکان های مسکونی ، زیر-نرمال و یا محقر نشین زندگی ، میکرده اند. در شرایط برزیل
 غرض از شرایط زیر-نرمال کلبه محقر ، الونک ، کپر و یا مکانهای مسکونی ایستکه بصورت غیر
 قانونی و با حداقل امکانات ساخته شده اند. ناهنجاری شهری مبین نا مرغوبی فیزیکی - شیوه ساختمان
 / یا وضعیت ژئومورفولوژیکی/ محیطی اطراف مکان مسکونی - ساختمان نامناسب ، زمینهای
 توأم باریسک، زمین های پست و سیل گیر و امثالهم؛ بهر حال اینگونه مکانهای مسکونی ، در فرهنگ
 و زبانهای متفاوت به اسامی مختلفی ، نامیده میشوند؛ از انجمله: Favela, Slums, Bidonvilles
 و غیره. Clichevski 2000 . بالاخره آنچه در همه مشترک است و تغییر زیادی نمیکند درجه محقر
 بودن ، رقت باری ، و نبود حداقل کیفیت زندگی در آنهاست ؛ که خود نشانه جهانی شدن
 (گلوبالیزیشن) فقر و تهی دستی است.

در کلان شهرهای بزرگ برزیل حدود 50 درصد جمعیت شرایط مسکونی شان بصورتی است که
 میباشد آنها را محقر نشین بحساب آورد. بصورتیکه : فقط در کلان شهر ساو پائولو جمعیت محقر نشین
 8 میلیون نفر است. الونک نشینان ساو پائولو هم حدود 20 درصد کل جمعیت آنرا تشکیل
 میدهند. در پرت الگره ، بلوهریزنته، ریودژانیرو و در رسیفی ، به نقل از Clichensky 2000
 بیش از 46 درصد جمعیت محقر نشین و یا الونک نشین هستند . در شهر کردوبا در آرژانتین 20
 مردم الونک نشین، در منطقه کلان شهری لیما مرکز کشور پرو 50 درصد جمعیت در شرایط زیر
) از این تعداد 30 (Favela) 20)

(Cortisa) (و یا کلبه هایی که از پهلوی هم قرار دادن پوست درختان جنگلی ساخته میشود .)
 میکنند. این تعداد با همین نسبت در کیتو اکودور ، کاراکاس در ونزوئلا، شهر مکزیکو در مکزیک
 و بوگاتا در کلمبیا، به تا 59 درصد جمعیت این کلان شهرها، میرسند. وضعیت مذکور به شهرها

وکلان شهرهای امریکای لاتین محدود نمیگردد. با یک گشت سریع « دور دنیا » واهیم یافت » شهرنشینی فقر» بقدر کافی جهانی شده ؛ طوری که در این گشت دور دنیا با ارقام بالا تری هم مواجه خواهیم شد. برآورد میشود در سال 1996 بیش از 50 درصد جمعیت دهلی نو در هند در شرایط زیر نرمال زندگی میکرده اند. از این 50 درصد شان الونک نشین بود . (Bueno 2000) در بمبئی در همین سال 150 هزار نفر بی خانمان در خیابانهای شهر شب را بروز میاوردند . در همین شهر در سال 1991 بیش از 45 درصد کل واحد های ساخته شده ، احداث شان غیر قانونی بوده است . 2000 در دومین شهر پر جمعیت بنگال دیش که جمعیت آن 2/5 لیون نفر بوده ، یک ملیون نفر آ لونک نشین، بوده اند . در فیلیپین در شهر مانیل در سال 1996 بیش از 40 درصد جمعیت شهر در شرایط زیر نرمال زندگی میکرده اند ؛ نزدیک به همین درصد و یا 44 درصد از جمعیت کراچی در پاکستان هم شرایط مشابه ای داشته اند. (2000) 1994 این رقم به 70 درصد کل جمعیت شهری میرسیده است. در قاهره کلان شهر دیگر جهان توسعه نیافته که در این اواخر هدف «مدرنیزاسیون غربی» نیز بوده است نصف جمعیت در سال 1996 در شرایط زیر نرمال زندگی میکرده اند. « این ارقام و درصدها در افریقا که به نهایت در حاشیه اقتصاد جهانی قرار گرفته ، و فراموش شده، بسیار بیشتر از درصد های پیش خواهد بود. 70 در ادیس ابابا در اتیوپی 85 درصد، مردم در شرایط زیر نرمال زندگی ، میکرده اند. (2000)

ویژگی دیگر شهرنشینی نابرابر اهنگ رشد سریع حاشیه فقیر نشین این شهرها در مقایسه با بخشهای مرکزی ، توسعه یافته تر آن ، است. « در حالی که درصد توسعه فیزیکی شهر سائو پائو لوسالانه 1/93 درصد بوده؛ حاشیه آن 4/3 گسترش داشته است. (ماریکاتو طرح اسکان 2000) یا اینکه در دهلی نو هنگامیکه شهر دهلی بین سالهای 81 91 3/8 درصد رشد داشته روستاهای فقیر نشین حول شهر تا 9/6 درصد گسترش سالیانه داشته اند. همین طور در بوگاتا در کلمبیا از سال 1973 1985 در حالیکه در محله های مرکزی تر رشد منفی بوده؛ اطراف فقیر نشین شهر در همین سالها رشد شان به 7/5 12/5 درصد رسیده بود.

میان ملت و بربریت

وضعیت شهرهای بزرگ توسعه نیافته ها، در آغاز سده بیست و یکم، چنین است که ملاحظه شد. فقر وسیعی که نتیجه محرز عدم توازن ساختاری، میان روند صنعتی شدن و شهرنشینی پیرامونی، اکنون میبینیم نگرانی پدر و جوانیور، در مورد غیر ممکن بودن جذب دوباره خیل عظیم مازاد

نیروی کار مراکز شهری، که بحران اجتماعی لاعلاجی را موجب شده، تا چه حد صحیح و بجاست. در چنین وضعی است که جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) بدنبال تحمیل ویژگیهای مدرنیزه کننده خود میباشد. بنابراین در حوزه شهری تضاد ساختاری اقتصادهای مبتنی بر توسعه نابرابر و ترتیب به ناهماهنگی، میان «جهانی شده ی» شهر و محلاتی که وضعیتی نرمال دارند و استقرارهای معروف به «زیر نرمال» که، اکثریت محله های شهری را شامل میشوند، انجامیده. حله هایی که در حاشیه مانده، گویی هم سرمایه و امکانات و هم قدرت اجرایی آنها را. همانطور که امار پیش گفته حاکی از در حاشیه ماندن بخش مهمی از جامعه شهری است. امروزه در اکثر کلان شهرهای مذکور، شمار شهروندان تهید ست بمراتب بیشتر از شهروند توانگر است. این وضعیت بحدی رسیده که حتی مفهوم، «ان چیزی» را که بعنوان شهر میشناسیم. وضعیتی بوجود آمده که، الیت جامعه شهری خود را در میان دریایی از تهید، میبیند. در واقع هیچگاه، طبقات مسلط تا این حد، احساس نا امنی و تهدید نمید. بیخود نیست که بیشتر نشریات بزرگ برزیل - که بطور سنتی معرف منافع نخبگان (الیت) جامعه اند - «به نشر عناوینی، همچون: «شهر مورد هجوم قرار گرفته» و یا «شهر محاصره شده»، به یاد اوری آنچه با وضع دلخواه شان مغایرت دارد، مبادرت میکنند. بجای توجه به افزایش نا امید کننده فقر و تنگدستی، و تضعیف مداوم و غیر قابل پذیرش توانایی و احوال اجتماعی اقتصادی اکثریت ساکنین شهر، نخبگان (الیت) جامعه نگران هجوم ناخوش آیند و بی رویه به شهر» «، میباشند. خودداری از پذیرش این واقعیت که شهر چگونه که میباید باشد، نیست؛ همواره بدنبال امنیت و رفاه محله های - قلعه گونه ای با بالاترین امکانات زیستی و رفاهی را برای خود، مهیاء نموده. محله هایی همچون: الفاویل، در سائوپائولو، سانگ تونگ تائی، در بانگکوک، یا نوردلتا، در بوئنوس آیرس، «پار تاید شهری»، که همه آنها بصورت واکنش در مقابل وضعیتی است که، به سطح غیر قابل تحمل از خشونت و ناهنجاری های اجتماعی رسیده است. شاید بتوان، نظریه سامپایو جونیور 1999 در رابطه با سرمایه داری برزیل بعد از جنگ دوم جهانی را، برای تبیین موقعیت شهری کنو: هنگامیکه شهرهای مورد یست پیرامونی زیر کنترل بورژوازی قرار داشتند، علیرقم نابرابری و فقر زیاد در بخشهای حاشیه ای آنها، گسترش و بطور کلی وضعیت شهر تحت کنترل نسبی قرار داشت. شهر ها میدان سیاست و مکان مناسب برای اعمال حاکمیت طبقه حاکم ب. موقعیت اجتماعی شهرها در اواخر دهه 90 بتدریج بگونه ای شد، که تضاد سنتی موجود در آنها به یک ضدیت (انتاگونیسم) اشکار، تبدیل گردید. بنظر میرسد بورژوازی کنترل اش را، برگسترش نا برابر شهر، بکلی از دست داده است. طوری که هر زمان بیشتر، ضرورت اعمال یک اقدام یا انتخاب رادیکال، میان حفظ وضع موجود () که

، اقتصادي ، سياسي هم اکنون به يك سطح غير قابل تحمل رسیده
ويا اقداماتي که بطور ریشه این ساختار را ، در جهت وجود آوردن وضعيتي که مبتني بر تسلاوي
هاي اجتماعي باشد ، تغير دهد ، را ضروري ميگرداند .
در رابطه با شهر هاي برزيل ، همچنين يقينا ، بسياري از کلان شهرهاي کشورهاي توسعه نیافته، در
چنين وضعيتي، ميتوانيم بگوئيم : امروزه در مرز میان « شهر و بربريت » زندگي ميکنيم .
شهر توسعه نیافته ها نما يا نگر، درحاشيه ماندن اجتماعي در کشور هائي استکه ، عقب ماندگي و تجد د
. بنا بر این مشکل انها همان مشکل جامعه توسعه نیافته است: قیومیت مطلق منطق
کسب ودر امد ، از طریق فوق بهره کشي تاريخي از نيروي کار و فوق بهره برداري ()
محيط زیست که، بنظر ميرسد ، در جامعه وهمینطور در شهرها، بسطح غير قابل تحملي رسیده است.
بدین ترتیب ، اقدامات تحميلي سرمايه داري هژمونيك ، از طریق شکل جديد جهاني شده اش ،
همراه با الگوهاي (مدلهاي) جديد برنامه ريزي اش، که پیوست ان بوده و همراهي اش ميکنند ، بنظر
ميرسد، مشکلات ومعضلات موجود را افزايش داده وانهارا شدت مي بخشند.

برنامه ريزي استراتژيك وتوسعه نيافتگي
همانطور که ميدانيم سياست هاي ليبرالي، الگوي واشنگتوني که درسالهاي دهه 80 ، بمثابه تخته
نجات غريق، براي جهان سومي ها مطرح گرديد ، تا حدودي موجب پويائي اقتصادي از طریق بسط
بخش ثالثيه پيشرفته وصنایع جديد (مبتني بر مدلهاي اقتصادي جهاني شده) ، گرديد. سياستهاي مذکور
، درواقع جز تحرك اقتصادي محدود اوليه شان ، نتيجه چندانبيار نياوردند ، حتي موجب تشديد
وافزايش نا برا بري اجتماعي ، که امروزه مورد تائيد بانک جهاني هم هست ، نيز شد ند. ارزيابي سپال
این استکه، اصلاحات ليبرالي « بطور غير قابل انتظاري تاثير محدودی » در افزايش اشتغال
وبرابري فرصت ها در سطح جامعه ، داشته است. (Peres -Stalling 2000)
مدل تبليغ شده در ابتدا اعلام نکردند که ، مدرنيزاسيون ناشي از جهاني شدن در کشورهاي توسعه
نیافته ، فقط بخش کوچكي از جامعه را منتفع نموده ودر مقابل اکثريت جامعه از این انتفاع بي بهره
لات ومعضلات تشديد شده ، شريك خواهند بود . (Fiori 1997)
با اینکه امروزه عدم اطمینان شدیدی نسبت به تاثير سياستهاي ليبرالي، بکار گرفته شده در برخي
کشورهاي توسعه نیافته ، وجود دارد ؛ اما در عرصه شهري این سياستها هنوز هم ، با شدت هر چه
تمامتر، دنبال ميشوند. (Ferreira-Maricato Fix 1999)
این ابزار جديد، که در رابطه با مسائل شهرها مطرح ميگردد ؛ «برنامه ريزي جديدي» است که
بنام برنامه ريزي استراتژيك شناخته شده، در واقع هماهنگ وهمخوان با پويائي ، انعطاف

و ویژگی‌های اقتصاد جهانی شده ، در مقابل برنامه ریز (فونسیونالیست) و در پی هم

اهنگ نمودن اهداف خود با اهداف بنگاه‌ها و اژانس‌های بین المللی است.

ویژگی اصلی برنامه ریزی استراتژیک این است که پاسخ مشخصی ، در محدوده سیاست‌های توسعه

شهری ، برای بن بست انتاگونیك که وجود آنرا در کلان شهرهای مناطق توسعه نیافته قبلاً،

نمودیم ، نداشته ، به عکس موجب تشدید بحرانی شدن آن ، میگردد.

برنامه ریزی استراتژیک چاره همه مشکلات ، و نهایتاً تنها اینده ای که میتواند برای شهر متصور

باشد، را به وارد شدن شهر در شبکه « شهرهای جهانی شده » ، که در آنها مسئله اصلی میباید رقابت

شهری باشد ، میداند. (Vanier 2000)

«اژانس‌های چند جانبه و نظریه پردازانشان (ایدئو لوگهایشان) هم اکنون ، در استانه قرن XXI

شهرهای ایده آل خود را طراحی کرده اند: چنین شهری تولید کننده ، قابل رقابت ، جهانی شده

(گلوبالیزه) شهرهای جهانی مبادله کننده است. همانند بنگاهی است که در یک فضای

جهانی () در رقابت قرار داشته باشد . حاکم چنین شهری همچون « مدیر » یک بنگاه است:

مدیریت ، بازاریابی جسورانه ، تمرکز تصمیم گیری ، مصلحت گرایی ، انعطاف و ... بالاخره با این

رویه و روحیات است که هر شهر ، برای بهره گیری بیشتر از فرصت ها، میباید برتری رقابتی خود را

در بازار قلمرو اش تثبیت نماید. «

اعتقاد پایه این است که شهر جهانی شده هنگامی بخت زیادتری برای بقا دارد که ، بهتر بتواند در

این رقابت وارد شده ، برای سرمایه گزاران و مراکز شرکتهای فراملیتی ، جذابیت بیشتری داشته باشد.

یعنی هرچه بیشتر در پیشرفت سیستمهای اطلاعات ، ارتباطات ، مد رنیزه کردن زیر ساختها ، تقویت

« خدمات پیشرفته » و کانالهای ارتباطی سرمایه مالی بین المللی ، که بگمان آنها قادرند به

فضاهای شهری فرسوده و از هم گسسته زندگی جدیدی بدهند ، سرمایه گزاری نمایند .

استخوانبندی فنی این برنامه ریزی « » اقدامات و سیاست گزاری هایی را میطلبد ، که ساخت

وسازها دخالتها ، در سطوح و ساختارهای مختلف فضای شهری چنان توزیع گردند که، آنها

فعالیت‌های وابسته به اقتصاد جهانی شده طه باشند : تله پرتها ، مراکز و شعب بنگاهها ، فضاهای

بسیار برای نمایشگاه‌ها و نشست های بین المللی ، پارکهای تکنولوژیکی، فرودگاهها ، هتلها ، و عملیات

وسیع زیبا سازی و مدرنیزاسیون فضاهای عمومی و غیره .. (Borja ,Castells 1999)

بهترین شاهد این برنامه ریزی شهری « » را میتوان ، در شرح ماجرای « حباب بزرگ سوداگری

تایلندی» كوك ، که در شروع این مقاله آورده شده ، ملاحظه نمود.

در ابعاد وسیع در فضاهای مرغوبتر شهر ، در نتیجه پیوند میان ، نقش افرینان محلی که برای ایجاد

— صاحبان مستقلات ، الیت زمیندار ، مقامات محلی ،

سرمایه گزاران داخلی و خارجی - همگی حول شکل دادن به «خواست و سلیقه» ای که برای چنین فعالیتی
»
» برای اینکه آنچه عرضه خواهد شد،

«خریداران» محلی و یا متقاضیان و سرمایه گزاران بین المللی، مقبول و جذاب باشد.

Arantes – Vanier 2000

بدین ترتیب به اسانی میتوان دریافت اهداف چنین برنامه ریزی هایی تا چه حد سودجویی
انه . فقدان حداقل احساس مسئولیت و نگرانی در رابطه با مسائل جامعه شهری در زمینه
های مورد بحث ، در واقع بجای مطرح بودن نگرانی مذکور ، موضوعاتی چون «
»نوسانات بورس زمین» ، تبلیغات وسیع حول مزايا و لوکسي واحدهای عرضه شده و غیره ،
دلمشغولي دست اندرکاران و مسئولین را، تشکیل میدهد. در مجموع ، با این وصف میروند که شه
میدان رقابت نمایند. در این سناریو واقعیت ها و معضلات اسفبار کلان شهر کشور توسعه نیافته
بسادگی بفراموشی سپرده میشود.

آنچه عملاً در جریان میباشد این است که مدل فنی- (تکنیکی- تئوریکي) این برنامه ریزی
وارداتی ، متعلق به وضعیت ها و واقعیت هایی است که، با توسعه نیافتگی بیگانه است و به آن تعلق ندارد.
مهما، انچنان در اینجا بکار گرفته میشوند که ، گویی کلیدی برای راهیابی به جمع « جهان اولیها »
در رابطه با نا همخوانی و بیگانگی این نسخه های تقلیدی با واقعیت های شهری ما، ارمینا
ماریکاتو 2000، انها را «ایده های بیگانه با مکان و مکان بیگانه با ایده» های مذکور خوانده است. بدین
ترتیب مدل برنامه ریزی استراتژیک ، در شهر های مختلف امریکایی لاتین، از طریق تبلیغات و بازار
یابی همچون سایر فعالیتهای بازار ، بکار گرفته شد. از آن جمله میتوان نمونه هایی چون :
استراتژیک شهر ریودو ژانیرو ، طرح شهر سازی محور تماندوانی در شهر سنت اندره

در مورد ریو وانیرو 2000 نشان میدهد ، چگونه بصورت يك «تقلب زیرکانه و از پیش ترتیب داده
» . او نشان میدهد، چگونه دست اندرکاران با تبلیغات ، تحت عناوینی
به نیازهای مسکونی ، ولی در جهت تامین سود سوداگران ، بالاخره مطلوب جلوه داد اهداف طرح
، با این نوید که شهر را، برای ورود سرمایه های بین المللی ، پویا ، مدرن، و قابل رقابت خواهند نمود
، طرح را به اجرا در آوردند. در اثر این برنامه ریزی استراتژیک در شهر های مختلف، با امید جذب
سرمایه های وسیع بین المللی بطور رسمی به اجرا گذاشته ، شده است. از آن جمله در شهرهای
کردوبا و باهیا بلانکا .

« جزایر جهان اولی ها »

سیاست های هماهنگ شده ، با سناریو جدید اقتصاد ی که ، در دهه نود همسو با الزامات جهانی شدن، اعمال شدند - که برنامه ریزی استراتژیک هم بخشی از آن بود - باعث انعطاف و سست شدن مصوبات موجود شهرسازی و همینطور گسیختگی بیشتر شهری ، درمقابل تمرکز عملکرد گرایانه (فونکسیونیست) ونظم دهنده ی مواد و ثرم های مصوب قبلی شهرسازی ، گردید. همینطور ، همانند سیاستهای اقتصادی هماهنگ شده با جریان نولیبرالی ، درها برای ورود سرمایه جهانی شده ، که هدفشان بخش مهمی از مصرف کننده های کشورهای پیرامونی بود که، درسطح بالائی از توانمندی سست و کم اهمیت شدن مصوبات پیشین شهرسازی که تا

وسازهای شهری را کنترل و هدایت مینمود ، فرصت را برای پیوند منافع « سرمایه گزاران مستقلاتی/ زمین داران/ سرمایه های بزرگ داخلی وخارجی / را، فراهم نمود. بدین صورت ، گروههای دینفع همراه با بخشهای فربه شده جامعه ی کشور پیرامونی وبنگاههای فراملیتی فعال دراین بخش ، فرصت بینظیری را ، برای انجام معاملات بزرگ مستقلاتی ودستیابی به سودهای کلان ، آماده میدیدند . بدین صورت استکه احداث فضاها ی با امکانات مسکونی سطح بالا ، همانند شهرهای جهان سرمایه داری مرکزی ، را میتوان درکشورهای پیرامونی تکرار نمود . یا حقیقتاً «جزایر جهان اولی» را در میان دریائی از فقر کلان شهرهای پیرامونی احداث نمود .

میتوان گفت: تولید فضا ، درشهرهای توأم با ضدیت(ا نتا گونیسم) پیرامون سرمایه داری جهانی شده ، هرزمان بیشتر دچارانزوا وجدائی (Segregation) بخشهای مختلف جامعه اش از یکدیگر میگردد . بدین صورت که درآن نخبگان (الیت) حاکم ، بطور آشکار خود را از اکثریت مردم ، جدا مینمایند . البته پدیده مذکور چندان جدید هم نیست . همانطور که Villaca1999 نشان میدهد: این «جزایر» میتوانند عملکردهای متفاوتی داشته با . میتوانند بصورت محله مسکونی لوکس واعیان نشین بوده ویا اینکه یک مجموعه مدرن خدماتی تجاری پیشرفته باشند ، ویاحتی بخشی از محله های مرکزی قدیمی و فرسوده شهر باشند که ، با سرمایه گزاری های زیاد کاملاً، وبا کلیه امکانات جدید نوسازی شده ، دراختیار متقاضیان توانمند قرار گیرند. نتیجتاً همه این ساخت وسازها دارای وجوه : سرمایه گزاری وسیع ، کیفیت بالای تاسیسات وزیرساختهای شهری ، متقاضیان توانمندی

که میتوانند از عهده این مخارج برآیند . درواقع بسیاری از ساخت وسازها حاصل پیوند مهندسين معمار و سوداگران و سرمایه گزاران در این بخش بوده که بعضاً، همانند نمونه بانگکوک با ایجاد جو مصنوعی وزدوبندهای مختلف طرحها را باجرا در میاورند. (Arantes 2000)

همانطور که ملاحظه گردید ،نمونه های متعددی دراین رابطه قابل طرح اند ،محله هائی چون:

Muang Thong Thani que PanambyPar درسائوپائولو ومحله ایرس

Nordelat و غیرو.. همگی نمونه هائی هستند که قبلاً،مشابه آنها درکشورهای صنعتی

. Ballery Park در نیویورک و Dockland در لندن این پروژه ها دوباره در کشورهاي پيراموني ، بعنوان نسخه اي که ميتواند به محله هاي مرکزي شهر ، ويا درواقع به محله هاي که در اثر تاثيرات منفي جهاني شدن دچار تخليه و فرسودگي شده اند ، زندگي دوباره بدهند ، (باز هم ايدهاي بيگانه با مکان .) خوشبختانه اينگونه برنامه ها هم اکنون با مخالفت شديد گروههاي سازمان يافته جامعه مدني روبرو شده است.

بدین ترتیب ، گسترش وسيع حاشيه فقير نشين شهر و وجود مراکز شهري قديمي تخليه شده باعث شده سرمايه گزاري هاي جديد منحصر ، به محلات طبقه متوسط و مرفه نشين شهر ، گردد. در نتیجه و در عمل کلان شهر به دو بخش تقسيم شد : (Formal) که تقريباً همه ي سرمايه گزاري ها، ساخت و سازهاي نو و همچنين طرحهاي مربوط به خدمات شهري را به خود اختصاص داد و بخش غير رسمي و غير قانوني (Informal) که، عملاً، در همه ي زمينه ها ، بفراموشي سپرده شد. نمونه هاي برزيل براي ما کاملاً هستند ، مانند منطقه جنوبي ريودوژانيرو در مقايسه با ساير مناطق آن ويا فرضاً، منطقه جنوب شرقي سائو پائولو . در بقيه نقاط جهان پيراموني ، وضع چندان متفاوت با وضعيت ما نيست . “در محله Colaba در بمبئي ويا منطقه جنوبي شهر دهلي نو در هندوستان .

واقعيت مهمي که در چنين وضعيتي قابل تامل و توجه ميباشد ، همراهي همه جانبه بخش عمومي با اين جريانات است . گذشته از اينکه تخصيص منابع مالي بخش عمومي به اين طرحها بنوعي همراهي با منافع طبقات حاکم و با نفوذ جامعه شهري است ، واقعاً ناشي از باوري است که اين مقامات ، از جهات مختلف به اهداف ظاهري و تبليغ شده اينگونه طرحها ، دارند .

» مخارج هنگفت هفت مليارد دلاري که شهر را بميزان زيادي مقروض نموده ، صرف

خدمات زير ساختي براي تاسيسات شهري يازده طرح عظيم شدند که ، فقط دو طرح

آن خارج از منطقه کلان شهري سائوپائولو قرار داد . طرحهاي مذکور در محله

هائي با اجرا درآمدند که ساکنين آن از بالاترين درآمد در شهر برخوردار هستند .

ظاهراً ، انگار مقامات مسئول با تخصيص مبالغ مذکور اين هدف را تعقيب مينمودند

که، بالاخره در شهر ما هم « جزيره جهان اولي ها» بوجود آيد ، از اين طريق سا

لوهم تبديل به کلان شهر جهاني شود ! همه اينها در شرايطي بوقوع ميپيوست که ،

مسئولين منطقه کلان شهري سائوپائولو از تامين بودجه 30 در صدي تصويب شده

آموزش و پرورش شانه خالي کرده و اعتبار آنرا صرف طرحاي مذکور نمودند! »

(Maricato 2000)

و پائولو ، شهر جهانی ؟

اگر رابطه میان الگوهای اقتصادی بکار گرفته شده و در پی آن عدم تعدیل و از میان رفتن فقر، بویژه در شهرها ، را در نظر بگیریم ، میبینیم رابطه میان سرمایه مالی جهانی شده و رونق بازار سوداگران ساختمانی ، در شهرهای بزرگی که ، ظاهرآ“ قابلیت تبدیل به «شهر جهانی» شدن را دارند ، از یک کشور نسبت به کشور دیگر ، متفاوت خواهد بود. وسیع سرمایه بین المللی که در ، عملیات ساخت و ساز سوداگران بانهگوک در تایلد بکار گرفته شد ؛ شاید نمونه مشابه اش (هنوز؟) در برزیل تحقق نیافته باشد . (nopielo) سرمایه گزاری در پروژه های بزرگ (برزیلی در رابطه با فضاهای مورد استفاده خدمات ثالثیه پیشرفته (همانند مجموعه ساخته شده در خیابان بررینی در سائوپائولو) هر چند بیشتر در آغاز از طریق منابع مالی صندوق باز نشستگی باجرا در آمدند، و یا با اینکه در ابتدا مستقیما سرمایه بین المللی در کار نبود ؛ مهم این استکه ویژگی این سرمایه گزاریها اهداف سوداگران آن بود. بهمین خاطر تدریجا“ وابسته به سرمایه های سوداگر جهانی شدند . روند تدریجی ورود سرمایه های سوداگر جهانی به بخش ساخت و سازهای مستقلات شهری در رزیل ادامه داشته، از آن جمله شرکت Ellis Richard که یکی مشارکت کننده های مهم طرحهای مربوط به مجموعه بررینی در سائوپائولو بوده است . (Nobre 2000) در این باره چنین میگوید :

«سرمایه گزاری برای طرحهای مجموعه بررینی بین سالهای 1990

1998 منابع مالی صندوق باز نشستگی تامین شده بود. این سرمایه

گزاری ها رفته رفته از دو میلیارد دلار به هشت میلیارد دلار افزایش یافت .

سرمایه گزاری های بعدی در این مجموعه ، که نهایتا“ به احداث تعداد زیادی

ساختمانی بسیار لوکس و ومجهز انجامید سرمایه های بین الملل . «

بنا بر این در چنین وضعیتی استکه ، میتوان با شاهد آوردن وجود چنین مجموعه هائی و

نشان دادن زرق و برق انها « جهانی شدن» شهر سائوپائولو را مطرح نمود.

افرینی ها وتشدید مشکلات ناشی از فعالیت سوداگران ساختمانی ، نظیر آنچه د

گذشت را به را حتی ، بفراموشی سپرد. نوبره میگوید: پروژه های بسیار بزرگ ()

وطراحی شهری ایکه مورد پسند الیت است ، صرفا“ برای جلب توجه سرمایه گزاران میباشد .

شباهت این پروژه ها ، به نمونه های مشابه ای که در دهه هشتاد در ایالات متحده وانگلست

باجرا درآمده ، مبین این ادعا ست . و معتقد است که : با این وضعیت ریسک بالقوه حتی برای شرکت های سرمایه گزار مستقلات نیز افزایش یافته است.

«گسترش بازار مستقلاتی در دهه مذکور واقعا» از طریق بوجود آوردن تقاضای مصنوعی تحقق یافت . چون ساختمانهای مورد بحث بواسطه فراهم آوردن شرایط مالی (ن جمله تضمین درصد بالایی سود برای سرمایه ها) ، و نه نیاز واقعی بازار ، ساخته شدن شان میسر گردید . در نتیجه از یکطرف موجب سقوط ارزش آنها در بازار شده و از طرف دیگر باعث افزایش درصد تخلیه بناهای قدیمی تر گردید . به بیانی دیگر توجه ضرورت پروژه های مذکور فقط به تبلیغات خودشان محدود میگردد . چون ، نه مطابق با تقاضای موجود بازار ، و نه پاسخگویی نیاز قابل شناسایی در جامعه ، بلکه واقعا” مبتنی بر تبلیغات و ترتیبات کاملاً“ .

سقوط سهام بازار بورس در دوشنبه سیاه (19 1987) موجب پایان یافتن، يك دوره از رشد ، افزایش بیکاری و نا هما هنگی اقتصادی شد . در لندن و در نیو یورک هر کدام بیش از صد هزار فرصت شغلی از دست رفت . (EinsteinF1995)
وساز ، مستقیماً” بعلت بلا استفاده ماندن شمار زیادی از ساختمانهای تجاری که بیش دوبرابر نیاز بازار ساخته شده بودند ، دوچار رکود شدید گردید . «
شکنندگی رابطه میان سرمایه گزاری مالی و مستقلاتی کاملاً“ .

بانکگوك بهترین شاهد این واقعیت است . جالب است یادآوری نمائیم ، ساختمانهای هوشمند و بسیار مدرن ساخته شده در مجموعه Spraiadas Agua Berrini به سبب همین تنگناها، اغلب بصورت تضمین طرف ثالث ، اجارهای ، (Leasing) .
در موقعیت نا پایدار اقتصادی همانطور که میدانیم ، آنچه میتواند هر لحظه بوقوع بپیوندد ، این است که : شرکت های دست اندر کار با تغییراتی «ساختمانهای هوشمند» مذکور را تبدیل به دفاتر معمولی نموده از این طریق مخارج جنبی بسیار بالا را به حداقل برسانند ؛ که اینهم موجب افزایش واحد های تخلیه شده گشته ، به عدم برگشت سرمایه های بکار گرفته شده ، منجر خواهد شد . هنگامیکه ریسک بالایی سرمایه گزاری مستقلاتی، بصورت پیش گفته، نه تنها در وضعیتی چون بانکگوك حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مرکزی نظیر ایالات متحده و انگلستان دچار بحران و نهایتاً” کسری زیاد ، خواهد شد . اکنون در کشوری مانند برزیل با اقتصادی که در سطح بالایی از ناپایداری قرار دارد “ در شهر سائو پائولو با حدود شش ملیون جمعیت در حاشیه، بهمان نسبت که فضای مالی و اقتصادی کافی برای گرم کردن

بازار مستقلتي و ورود مستقيم سرمايه سوداگر جهاني را دارد ، ريسك سرمايه گزاري در اين بازار هم بالا است .

ادله سازي ديگر ، خاص انهائي كه تاكيد « شهر جهاني » بدانند اين استكه: سائو پائولو هم اكنون داراي بخش وسيعي از فعاليت هاي جهاني استكه موجب شده اشتغال بر پايه فرد يسم ان تبديل به اشتغالي مدرن جهاني شده ، عمدتاً متعلق به بخش ثالثيه پيشرفته ، گردد . هرچند ادعاي مذكور تا حدي واقعيت دارد ، (با توجه باينكه اغلب اين اشتغالها سابق بر اين هم وجود داشته واصولاً) بطور كلي ربط چندان با موج جهاني شدن . (ولي با همه اينها ، اگر به نتيجه تحقيقات وزارت برنامه ريزي كه به تازگي

انتشار يافته ، كه در ان فعاليت هاي كلانشهره «جهاني شده » « غير

جهاني شده » از يكدیگر تفكيك نموده ، توجه نمائيم . ملاحظه خواهد شد : 7

صد موسسات مورد مطالعه با فعاليت هائي در رابطه اند كه ميتوان انها را جهاني بحساب . (MSPP 2001) .

همچنين ، برخي مدعي اند ، كه هم اكنون با جريان وسيع خروج صنايع از شهر ، بعلت گراني مخارج استقرار در ان ، مواجه ايم ؛ و اين را نتيجه پيشرفت ارتباطات و فراهم آمدن تسهيلات ناشي از ان ميدانند . باز هم با اينكه اين ادعا ها در سطح محدود قابل قبول ن با كل بنگاهاي مستقر در شهر بسيار ناچيز و كم اهميت ترا ز ان است ، كه تا اين حد در باره ان تبليغ شود . بررسي هاي EADES نشان ميدهد ، هنوز هم منطقه كلان شهري سائوپائولو ، بيش از 60 درصد ارزش اضافي صنايع ايالت و 57 درصد شاغلين مربوطه را در قلمرو خود استقرا .

البته ، افزايش فعاليتهاي خدماتي تا اندازهاي در ارتباط است با بسط بخشهاي « ثالثيه

پيشرفته » در ارتباط با اقتصاد جهاني شده ، ولي واقعيت اين استكه ا

بيش از اينكه ناشي از بسط ثالثيه پيشرفته باشد ، بعلت تاثير مخرب جهاني شدن بر بخش صنعت دربرزيل بوده است . تاثيري كه نخست موجب بيكاري قسمتي از نيروي كار بخش صنعت و سپس جابجائي انها به بخش خدمات ، بويژه خدمات حاشيه اي ، (بخشي كه

« تحت عنوان غير رسمي Informal مطرح گرديد .) ميشود . امار شهرداري

و در اين مورد نشان ميدهد ، كه افزايش محسوس بيكاري در سائو پائو لوبين سالهاي

1988 1998 8.2 در به 17 درصد ، در اثر افت فعاليتهاي صنعتي از 1.29

به 17.8 درصد در همان محدوده زماني ، بوده است . افزايش شاغلين در بخش خدمات هم در همين محدوده زماني افزوده شده ، كه مبين جابجائي نيروي كار از بخش صنعت به خدمات

است ، ولي اين خدمات را ، در اكثر موارد ، نمیتوان خدمات پيشرفته « جهاني شده » ناميد . چون اغلب بصورت خدمات در حاشيه ، مانند : خدمات خانگي ، دكه دارن ، مغازه داران كوچك و امثالهم ، بوده اند . واقعيت مهم اين استكه : افت اشتغال صنعتي و افزايش خدمات ” حاشيه اي در همان محدوده زماني استكه ، فعاليت هاي مربوط به اقتصاد جهاني شده ، تشديد شده بود . نمیخواهيم منكر اين واقعيت شويم ، كه بخش نسبتاً ” مهمي از فعاليت اقتصادي در سائو پائولو هم اکنون خصلتي جهاني شده بخود گرفته ، بويژه فعاليت هاي معروف به « مراكز جديد » مستقر در مكانهائي نظير : spraiadasE ,Berrini ,Lima Faria و همچنين منكر اين هم نيستيم ، كه سائوپائولو نقش برجسته اي در ارتباط جهاني اقتصاد ما داشته است . ولي آنچه را مايليم مورد توجه قرار دهيم ميزان اهميتي استكه ميتوان به ان داد - به نقش جهاني كلان شهر - در امر « مدرنيزاسيون » كشور ، درقالبی كه فقط به منافع بورژوازي داخلي محدود نبوده و در واقع در جهت منافع كل جامعه باشد . بنظر ميرسد ، آنچه را كه برخي از دست اندر كاران و برنامه ريزان در رابطه با ورود شهر ، به شبكه شهرهاي جهاني شده ، مطرح ميكنند ، نظريات و ذهنيتهاي وارداتي متعلق به كشورهاي مركزي استكه ، با خواستگاهها و انتظارات اكثريت جامعه ما همخواني نداشته ، واقعيات موجود را مورد تامل و توجه كافي ، قرار نميدهند . نظريات والگوهائي هستند كه با واقعيتهاي هيچيك از كلان شهرهاي اقتصادهاي پيراموني همخواني و انطباقی ندارند . و باز هم از مصاديق بارز «ايدة وانگارهائي خارج از مكان» ميباشند. (aricatoM 2000)

« مدرنيزاسيوني » كه در پي انيم ، چگونه است ؟ امكان استقلال در تصميم گيري قالب الگوهائي كه ، مردم سالاري ، مساوات اقتصادي اجتماعي را حتي الامكان ، برآورده نمايد . يا اينكه الگوهائي همخوان با ساختارهاي نوليبرالي ، و برنامه ريزي شهري ان ، كه با هدف « ورود به جهان اول » تجويز و يا تقليد ميشوند ، فقط بخش كوچكي از جامعه را منتفع ميگ . در خاتمه ، ميتوان اين پرسش را مطرح نمائيم : براي اينكه بتوانيم توسعه و بهزيستي را براي همه فراهم نمائيم چه اقدامات و سياست هائي در ارجعيت و اولويت قرار دارند ؛ ايا واقعا ، اولويت اين استكه ، بهر بهائي كه شده ، فرضاً ، سائوپائولو جهاني شود ؟

:

AMIN, S. L'empire du chaos. Paris. L'Harmattan, 1991.

ARANTES, Otília B., MARICATO, Ermínia e VAINER, Carlos. O Pensamento Único das Cidades: desmanchando consensos, Petrópolis, Ed. Vozes, Coleção

Zero à Esquerda, 2000.

ARRIAGADA, Camilo. Pobreza en América Latina: Nuevos escenarios y desafíos de políticas para el hábitat urbano. Santiago do Chile, CEPAL/ECLAC - División de Medio Ambiente y Asentamientos Humanos, Série Medio Ambiente y Desarrollo, nº27, outubro de 2000.

BORJA, Jordi., CASTELLS, Manuel. Local & global: management of cities in the information age. Londres, UNCHS (Habitat/ONU) e Earthscan Publications, 1997a.

_____. “Planes Estratégicos y Proyectos Metropolitanos”. In Cadernos IPPUR, Ano XI, nº 1 e 2, Rio de Janeiro, UFRJ, 1997b.

BRAUDEL, Fernand. Escritos sobre a história. São Paulo, Editora Perspectiva, 1978.

BUENO, Laura M. de Mello. Projeto e favela: metodologia para projetos de urbanização. Tese de Doutorado, São Paulo, Faculdade de Arquitetura e Urbanismo da Universidade de São Paulo, 2000.

CASTRO, Mariano, e RIOFRÍO, Gustavo. “La regularización de las barriadas: el caso de Villa El Salvador (Perú)”. In. AZUELA, A. e FRANÇOIS, T. (orgs.) El acceso de los pobres al suelo urbano., México, Centro de Estudios Mexicanos y Centroamericanos, Universidad Autónoma de México, Instituto de Investigaciones Sociales, Programa de Estudios sobre la Ciudad, 1997.

CEPAL. Panorama Social de América Latina 1999-2000. Santiago do Chile, Comissão econômica para a América Latina e o Caribe - ONU, 2000a.

_____. From rapid urbanization to the consolidation of human settlements in Latin America and the Caribbean: a territorial perspective., Santiago do Chile, Comissão econômica para a América Latina e o Caribe - ONU, 2000b.

CHARMES, Eric. “La nouvelle bulle a éclaté en Thaïlande” In Etudes Foncières. nº81, Paris, ADEF – Association des Etudes Foncières, Inverno de 1998.

CLICHEVSKI, Nora. Informalidad y segregación urbana en América Latina: una aproximación. Santiago do Chile, CEPAL/ECLAC - División de Medio Ambiente y Asentamientos Humanos, Série Medio Ambiente y Desarrollo, nº28, outubro de 2000.

FERREIRA, João S. W. “São Paulo metrópole subdesenvolvida: para que(m) serve a globalização?”, Inédito, São Paulo, FAUUSP, 2000.

FIORI, José Luis, Os moedeiros falsos. Petrópolis, Vozes, 1997.

FIX, Mariana. Parceiros da Exclusão: duas histórias da construção de uma nova cidade em São Paulo. São Paulo, Editora Boitempo, no prelo.

FPH. Politiques urbaines et lutte contre la pauvreté., Paris, Documents de Travail des Editions Charles Leopold Mayer, nº96, 1997.

IRD. Atelier International “Metropoles en mouvement”. Programme Ville/Réseau Socio-Economique de l’Habitat, Paris, IRD/CNRS, Décembre 1998.

IBASE e outras ONGs, Observatório da Cidadania: monitorado o desenvolvimento – Social Watch, nº1, Montevideo, Uruguai, Instituto del Tercer

Mundo, 1997.

LEFEBVRE, Sylvain. Mondialisation et Urbanisation: l'évolution démographique d'un phénomène urbain. Montréal, Canada, paper INRS-Urbanisation- UQAM, 1992.

LIPIETZ, Alain. Mirages et miracles: problèmes de l'industrialisation dans le Tiers-Monde. Paris, La découverte, 1985.

LUCIANO, Francisco. "Regularización de asentamientos irregulares en Córdoba". In. AZUELA, A. e FRANÇOIS, T. (orgs.) El acceso de los pobres al suelo urbano., México, Centro de Estudios Mexicanos y Centroamericanos, Universidad Autónoma de México, Instituto de Investigaciones Sociales, Programa de Estudios sobre la Ciudad, 1997.

MARICATO, Ermínia. "Planejamento urbano no brasil: As idéias fora do lugar e o lugar fora das idéias". In ARANTES, Otília B., MARICATO, Ermínia e VAINER, Carlos. O Pensamento Único das Cidades: desmanchando consensos, Petrópolis, Ed. Vozes, Coleção Zero à Esquerda, 2000.

_____. Metrópole na periferia do capitalismo. São Paulo, Hucitec/Série Estudos Urbanos, 1996.

MARICATO, E., FIX, M., e FERREIRA, J. S. W. "Encontro com a Planners Network: planejadores urbanos e justiça social". In FAUUSP. Informativo FAUUSP, Nº7, São Paulo, ano 1, dezembro de 1999.

NOBRE, Eduardo C. Reestruturação econômica e território: expansão recente do terciário na marginal do Rio Pinheiros, Tese de Doutorado, São Paulo, FAUUSP, Agosto de 2000.

PMSP. Globalização e Desenvolvimento Urbano, São Paulo, PMSP/Sempla, 2001.

SAMPAIO Jr., Plínio A. Entre a nação e a barbárie: os dilemas do capitalismo dependente. Petrópolis, Vozes, 1999a.

_____. "O impasse da 'formação nacional'". In FIORI, José Luis (org). Estados e moedas no desenvolvimento das nações. Petrópolis, Vozes, Coleção Zero à Esquerda, 1999b.

_____. "Origem e desdobramento da crise da teoria do desenvolvimento na América Latina". In São Paulo em Perspectiva, Vol.13 nº 1-2, São Paulo, SEADE, Jan-Jun. 1999.

SEADE/Governo do Estado de São Paulo . Cadernos do Fórum São Paulo século XXI. Tomo III, Caderno 11, Diário Oficial do Estado de São Paulo, Volume 110, nº109, junho de 2000.

STALLINGS, Barbara e PERES, Wilson. Crecimiento, empleo y equidad: el impacto de las reformas económicas en América Latina. Santiago de Chile, CEPAL/Fondo de Cultura Económica, 2000.

VAINER, C. "Pátria, empresa e mercadoria: Notas sobre a estratégia discursiva do planejamento estratégico". In ARANTES, Otília B., MARICATO, Ermínia e VAINER, Carlos. O Pensamento Único das Cidades: desmanchando consensos, Petrópolis, Ed. Vozes, Coleção Zero à Esquerda, 2000.

VILLAÇA, Flávio; "Efeitos do espaço sobre o social na metrópole brasileira".

In SOUZA, Maria Adélia A. de, e outros. Metrópole e globalização. São Paulo, Cedesp, 1999a.

_____. “Uma contribuição para a história do planejamento urbano no Brasil” In DEÁK C. e SCHIFFER, S; ”O processo de urbanização no Brasil”. São Paulo, Edusp/Fupam, 1999b.

WALLERSTEIN, Immanuel. “A cultura como campo de batalha ideológico do sistema mundial moderno”. In FEATHERSTONE, Mike (org.). Cultura Global: nacionalismo, globalização e modernidade. Petrópolis, Vozes, 1994.

WILLIAMSON, John. (org.) The political economy of policy reform. Washington, Institute for International Economics, 1994.

WORLD BANK. Social Indicators of Development. Bank Book, Baltimore/London World and John Hopkins University Press, 1995.